

دیوید سیمور، مرد صلح و همدردی

نرجس مؤمنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

کد مقاله: ۱۳۴۹۵

چکیده

عکاسی جنگ، شاخه‌ای از هنر عکاسی است که به ثبت صحنه‌های درگیری مسلحانه و یا زندگی در مناطق جنگ‌زده می‌پردازد. عکاسی جنگ به انسان‌ها کمک می‌کند تا عمق یک فاجعه جنگی را که به واسطه‌ی نوشتار قابل انتقال نیست درک کنند. عکاسی از صحنه‌های جنگ در قرن نوزدهم آغاز شد. دیوید سیمور^۲ ملقب به شیم، عکاس لهستانی از طبع لطیفی برخوردار بود. اما به اقتضای شرایط، به سمت عکاسی جنگ کشیده شد. مقاله پیش‌رو با تمرکز بر پرتره‌ی ترسکا^۳ یکی از مشهورترین آثار دیوید سیمور، به معرفی این عکاس اومانیسم^۴ و ضد جنگ می‌پردازد. این پژوهش باهدف نظام‌مند بودن و مبتنی بر روش علمی بر اساس شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی استوار گردید و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و منابع معتبر اینترنتی گردآوری شده است. تلاش نگارنده بر این بود تا علاوه بر مروری بر زندگی‌نامه هنرمند، خوانش قابل قبولی از ویژگی‌های فرمالیستی و روان‌شناختی اثر مذکور ارائه دهد. برآیند پژوهش نشان داد، عکاسان ضد جنگ نقش مؤثری در بیداری و آگاهی جامعه بر تفکرات ضد جنگ داشته‌اند. در عکس‌های سیمور، رنجی که انسان‌ها به واسطه‌ی سرنوشتشان به دوش می‌کشند، احساس می‌شود. موضوع عکس‌های او، حقوق از بین رفته بشریت در جنگ بود. یکی از آثار شاخص این هنرمند با عنوان «ترسکا» در سال ۱۹۴۸ در مجله‌ی لایف به چاپ رسید. او با ترسکا در یک مدرسه ابتدایی کودکان دارای اختلال روانی، در ورشو آشنا شد. پرتره‌ی ترسکا، در حال کشیدن تصویری از خانه، بسیار مورد توجه قرار گرفت و به نمادی از کودکان در جنگ جهانی دوم تبدیل شد.

واژگان کلیدی: عکاسی، عکاسی جنگ، عکاسان ضد جنگ، دیوید سیمور، ترسکا

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تصویری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران،

تهران، ایران Nargesmomeni@ut.ac.ir

2- David SEYMOUR (۱۳۹۵: ۳۳۰) (پاکباز، ۱۳۹۵)

3- Tereska

4- Humanism- (۲۱: ۱۳۹۵) (پاکباز، ۱۳۹۵)

۱- مقدمه

عکاسی از صحنه‌های جنگ در قرن نوزدهم با به وجود آمدن ژانر «عکاسی جنگ» آغاز شد. امکان ثبت لحظات حساس نبرد در آن دوران به دلیل محدودیت‌هایی چون اندازه‌ی بزرگ تجهیزات و زمان بالای نوردهی میسر نبود. هم‌زمان با پیشرفت دوربین‌های عکاسی در قرن بیستم، ابعاد دوربین کوچک‌تر و مدت زمان نوردهی برای ثبت عکس به‌مراتب کم‌تر شد. پیشرفت تجهیزات عکاسی موجب افزایش تعداد عکاسان جنگ و تلاش برای ثبت لحظات تأثیرگذار و خاص جنگ شد. چاپ عکس‌های خشونت‌آمیز از صحنه‌های جنگ در رسانه‌ها موجب آگاهی بیشتر عموم و افزایش طرفداران تفکرات ضد جنگ شد. این امر دولت‌ها و حکومت‌ها را بر آن داشت تا با اعمال سیاست‌ها و محدودیت‌های سانسور بر رسانه‌ها، عکاسان و خبرنگاران مانع از رشد این تفکرات شوند. از آن دوران به بعد رسانه‌ها ابزاری برای همراه نمودن افکار عمومی با سیاست حکومت‌ها شدند. این پژوهش با تمرکز بر پرتوی ترسکا، به معرفی دیوید سیمور عکاس اومانسیسم ضد جنگ می‌پردازد. دیوید سیمور ملقب به شیم، عکاس لهستانی پس از جنگ جهانی دوم، در یک پروژه‌ی دوساله با همکاری یونسکو^۱ بر روی موضوع کودکانی که در جنگ مجروح و بی‌خانمان شده بودند کار کرد. موضوع عکس‌های او، حقوق از بین رفته بشریت در جنگ بود. زندگی فرصت زیادی به سیمور نداد. او در ۱۰ نوامبر ۱۹۵۶ در سن ۴۵ سالگی، درحالی‌که مشغول عکاسی خبری از جنگ‌های مصر بود، در سوئز^۲، بر اثر رگبار مسلسل کشته شد. در این پژوهش تلاش نگارنده بر این بوده است تا علاوه بر مروری بر زندگی‌نامه و برخی آثار هنرمند، خوانش قابل قبولی از ویژگی‌های فرمالیستی و روان‌شناختی عکس ترسکا ارائه دهد. مقاله به چند بخش کلی تقسیم‌شده که شامل تاریخچه عکاسی جنگ، زندگی‌نامه، اقدامات شاخص هنرمند، عکاسان هم‌دوره و در نهایت بررسی اثر مذکور می‌باشد.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گذشته در مورد این هنرمند، بسیار اندک بوده و اغلب، تمامی وجوه کاری وی را مورد مطالعه و بررسی قرار نداده‌اند؛ بنابراین از این منظر، پژوهش حاضر پژوهشی نو به شمار می‌رود. این پژوهش در راستای برطرف کردن محدودیت‌های سابق صورت گرفته است. در خصوص این هنرمند در برخی منابع فارسی به فراخور موضوع، اطلاعات کوتاهی بیان شده است. ریاحی، برکت (۱۳۶۳): در کتاب «از جنگ بگوییم...» تنها به گردآوری مجموعه‌ای از عکس‌های این هنرمند پرداخته‌اند. عکس‌هایی که به آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ یعنی کودکان تعلق دارند. حکمی (۱۳۹۰): در مقاله‌ی خود با عنوان «مروری بر زندگی و آثار دیوید سیمور» به ترجمه بخش‌هایی از کتاب DAVID SEYMOUR (CHIM) نوشته‌ی تام بک از انتشارات فیدون پرداخته است که ضمن مرور زندگی‌نامه مختصر هنرمند برخی از آثار برجسته‌ی وی را معرفی نموده است. تاسک (۱۳۹۷): در کتاب «سیر تحول عکاس» اشاره‌ای گذرا به این هنرمند و شکل‌گیری آژانس عکس مگنوم داشته است.

۳- روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ نوع کیفی و با روش توصیفی تحلیلی، برآمده از شیوه‌ی استقرایی^۳، یعنی حرکت از جزء به کل، با فرآیند استدلالی و تحلیلی انجام شده است. داده‌های این پژوهش، مبتنی بر آثار مکتوب، تصاویر و منابع اینترنتی معتبر می‌باشد. گزینش نمونه‌ی مورد مطالعه با محوریت کودکان آسیب‌دیده از جنگ به شکل هدفمند صورت گرفته است. سپس ویژگی‌های اثر مذکور مورد خوانش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- تاریخچه عکاسی جنگ

در میان تمامی هنرها، هنر عکاسی خطرپذیرترین هنر به شمار می‌رود و این اتفاقی نیست که در جنگ ویتنام بیش از ۳۰ عکاس، جان خود را از دست دادند. زمانی که عکاسان برای نخستین بار در صحنه‌های جنگ حاضر شدند، سلاح‌ها به تولید انبوه رسیده و جنگ وارد مرحله جدیدی از صنعت شده بود. تأثیر جنگ و عواقب ناشی از آن به واسطه‌ی عکس‌ها و زیرنویس‌هایشان وارد خانه‌ها شد. وقوع جنگ‌های پیاپی و اهمیت درج تصاویر و گزارش‌های مصور مربوط به این حوادث در مطبوعات، نسل تازه‌ای از عکاسان را تربیت کرد که به عکاسان جنگ معروف شدند (جان بزرگی، ۱۳۸۳: ۱). عکاسی جنگ، از پرمخاطره‌ترین حوزه‌های عکاسی محسوب می‌شود. این شاخه از عکاسی، به ثبت لحظاتی از زندگی در مناطق جنگ‌زده و درگیری‌های مسلحانه می‌پردازد و

۱- UNESCO، یک سازمان تخصصی سازمان ملل متحد است که باهدف کمک به «ایجاد صلح، ریشه‌کن کردن فقر، توسعه پایدار و گفتگوی بین فرهنگی از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات» به وجود آمده است و جانشین کمیته بین‌المللی همکاری اندیشمندان جامعه ملل است.

۲- Suez، کانال سوئز، آب‌راهی ساختگی در مصر به درازای ۱۹۲ کیلومتر است که دریای مدیترانه را به دریای سرخ پیوند می‌دهد.

به مخاطب کمک می‌کند تا عمق فاجعه‌ی جنگ را که از طریق کلمات و متن قابل انتقال نیست، درک کند. جنگ‌های داخلی آمریکا، نقطه شروع عکاسی جنگ بود. اولین عکس‌های جنگ در سال ۱۸۴۷ از جنگ مکزیک و آمریکا، توسط عکاس گمنامی ثبت شده است. کارول پوپ دُ سائاماری^۱، از افسران حاضر در جبهه اولتنیتا و سیلیسترا^۲ در جریان جنگ کریمه^۳ (۱۸۵۳-۱۸۵۶) اولین عکاس جنگ شناخته شد. کار او توسط راجر فنتون^۴ پی گرفته شد. اولین عکاس رسمی جنگ، فنتون است که با اصرار شاهزاده آلبرت^۵، همسر ملکه ویکتوریا^۶ جهت عکاسی به جبهه اعزام شد (URL 01) (تصویر ۱).

در آن زمان اعزام عکاسان به جنگ کریمه، به دلیل همراه ساختن مردم بریتانیا با این جنگ و مقابله با پوشش خبری ضد جنگ روزنامه تایمز بود، به گونه‌ای که فنتون از تصویربرداری از صحنه‌های ناخوشایند جنگ، کشته‌شدگان و زخمی‌ها خودداری می‌کرد. به دلیل محدودیت‌های عکاسی آن دوره، ثبت تصاویر از سوژه‌های در حال حرکت، ممکن نبود. عکس‌های او مانند پرتوهای چیده‌مان شده، کیفیتی نمایشی داشت. در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ با ترور آرشیدوک فرانس فردیناند^۷، وارث امپراتوری اتریش^۸، جنگ جهانی اول^۹ آغاز شد. اسپید گرافیک^{۱۰} پرستاده‌ترین دوربین در این جنگ بود، یکی از معروف‌ترین دوربین‌های مورد استفاده در کارهای خبری که توسط کارخانه‌ی گرافلکس^{۱۱} در راجستر نیویورک^{۱۲} تولید و اولین بار در سال ۱۹۱۲ معرفی شد.



تصویر ۲- رابرت کاپا، مرگ سرباز، ۱۹۳۸، جنگ داخلی اسپانیا (مگنوم فوتوز) (تاسک، ۱۳۹۷: ۱۷۹).



تصویر ۱- کارول پوپ دُ سائاماری، عکاسی جنگ، ۱۸۷۷ (URL 02).

در این جنگ، عکاسان مجاز به عکس‌برداری از هر چه می‌خواستند نبودند. خبرنگاران نیز اجازه‌ی نزدیکی به خط مقدم را نداشتند. با وجود این محدودیت‌ها، عکس‌های فراوانی از این جنگ در آرشیوهای مختلف موجود است، بسیاری از این عکس‌ها، در زمان خود به دلیل وجود سیستم سانسور و عدم انتشار تصاویر هولناک جنگ دیده نشدند. اما پس از خاتمه جنگ، چهره‌ی واقعی مصیبتی که چهار سال دنیا را گرفتار خود کرده بود، آشکار شد. آنچه در عکس‌های جنگ جهانی اول، جنگ داخلی آمریکا^{۱۳} و تا حدودی جنگ کریمه به صورت مشترک دیده می‌شود نقش عکاس و دوربین همراه او به عنوان ناظر است. عکاس، در این میدان‌های درگیری تفاوتی با دیگران نداشت، او همچون دیگران جنگ را می‌دید و به خاطر می‌سپرد. جنگ‌های داخلی اسپانیا^{۱۴} در جولای ۱۹۳۶ با کودتای ارتش اسپانیا به رهبری ژنرال فرانسیس فرانکو^{۱۵} و با پشتیبانی آلمان هیتلری^{۱۶} و ایتالیای موسولینی^{۱۷} بر علیه حکومت دومین جمهوری اسپانیا آغاز شد. این جنگ به عنوان پیش‌زمینه‌ی جنگ جهانی دوم شناخته می‌شود.

لایکا^{۱۸} دوربین این جنگ بود. لایکا که در سال‌های دهه ۱۹۲۰ ساخته شده بود در این جنگ، فرصتی برای نشان دادن قابلیت‌هایش پیدا کرد. دوربینی کوچک و سبک که برخلاف دوربین‌های پیشین به راحتی مورد استفاده قرار می‌گرفت و امکان عکاسی سریع را فراهم می‌کرد. شاخص‌ترین عکاس این دوران، رابرت کاپا^{۱۹} است. در این جنگ کاپا به همراه گردا تارو^{۲۰} و دیوید سیمور تصاویر بی‌نظیری خلق کردند. تصاویری که برای اولین بار، جنگ واقعی را به تصویر کشیدند. شاید معروف‌ترین عکس این

1- Carol SZATHMARI.

2- Silistra.

3- Crimean War. به نبردهای اکتبر ۱۸۵۳ تا فوریه ۱۸۵۶ گفته می‌شود که میان امپراتوری روسیه تزاری از یک سو و امپراتوری دوم فرانسه، امپراتوری بریتانیا، پادشاهی ساردنی و امپراتوری عثمانی از سوی دیگر در شبه جزیره کریمه رخ داد.

4- Roger FENTON. (ناکنا: ۱۳۹۵: ۳۴۲).

5- Prince Albert of Saxe-Coburg and Gotha.

6- Alexandrina VICTORIA.

7- Archduke Franz FERDINAND.

8- Austrian EMPIRE.

9- World War I.

10- Sneed Graphic.

11- Graflex.

12- Rochester.

13- American Civil War.

14- Spanish Civil War.

15- Francisco FRANCO.

16- Nazi Germany.

17- Benito MUSSOLINI.

18- Leica Camera.

19- Robert CAPA {Endre Friedmann}. (پاکباز، ۱۳۹۵: ۳۴۶).

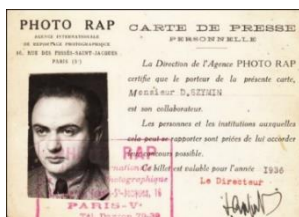
20- Gerda TARO.

جنگ، عکس «مرگ سرباز وفادار»، اثر رابرت کاپا باشد. این عکس که در ۵ سپتامبر ۱۹۳۶ ثبت شده، منشأ بحث‌های فراوانی درباره کاپا، صداقت عکس و ثبت واقعیت در عکاسی بوده است (تاسک، ۱۳۹۷: ۱۷۹) (تصویر ۲).

۵- زندگی‌نامه

سال‌های ۱۹۳۰، زندگی سیاسی و اقتصادی پرآشوب اروپا، رؤیای دیوید سیمور برای به پایان رساندن تحصیل در رشته‌ی علوم دانشگاه سوربن را بر باد داد. او به‌وسیله‌ی دوربینی که از دیوید راپاپورت^۱، دوست خانوادگی‌شان قرض گرفته بود عکس‌های چشمگیری ثبت کرد که تعریف جدیدی از فتوژورنالیسم را ارائه می‌داد. او موفق شد سبک انسان‌گرایانه‌ی قدرتمندی را در آثارش به ثبت برساند. دیوید زیمین^۲ (سیمور) فرزند بنیامین، ناشر معروف کتاب‌های زبان یدیش^۳ و عبری در ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ در ورشو به دنیا آمد و در فضایی احاطه‌شده با ادبیات، هنر و موسیقی رشد یافت. هم‌زمان با مباران ورشو در جنگ جهانی اول، به همراه خانواده‌اش به منطقه‌ی امن «مینسک» مهاجرت کرد. آن‌ها در سال ۱۹۱۹ پس از پایان جنگ، به ورشو بازگشتند. از آنجا که پدرش یکی از ناشران بانفوذ و بنام کتاب‌های عبری بود، به همراه برادر بزرگ‌ترش، آیلین توانستند در یکی از مدارس یهودی تحصیل کنند. در سال ۱۹۲۹، سیمور پس از اخذ مدرک دیپلم متوسطه، برای تحصیل در حوزه‌ی فناوری چاپ به آکادمی دولتی هنرهای گرافیک و چاپ کتاب «لایزیگ»^۴ رفت (URL 03) (تصویر ۳).

در سال ۱۹۳۱، سیمور پس از فارغ‌التحصیل از این آکادمی، به زادگاهش بازگشت. زمانی که شرایط سیاسی و اقتصادی لهستان رو به وخامت گذاشته بود، تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به دانشگاه سوربن بازگردد. زمانی که به سوربن رسید در عنوان ۲۲ سالگی بود، به‌واسطه‌ی نگرانی از شرایط مالی خانواده، به دوست خانوادگی‌شان دیوید راپاپورت صاحب «آژانس عکس رپ» که تصاویر لازم برای بسیاری از مجلات و نشریات را تأمین می‌کرد تقاضای کار داد. او با یک دوربین ۳۵ میلی‌متری که از راپاپورت قرض گرفته بود همکاری‌اش را با آژانس عکس رپ آغاز کرد تا مخارج دانشکده‌اش را تأمین کند. سیمور، خیلی زود توانست عکس‌های قابل توجهی ثبت کند که با اسم هنری «شیم»^۵ شکل مختصر نام خانوادگی‌اش در زبان فرانسوی، چاپ می‌شد. دیوید سیمور که هیچ آموزش رسمی در حوزه عکاسی نداشت، توانست به‌واسطه‌ی پس‌زمینه و تجربه‌ای که در حوزه هنر گرافیک و چاپ داشت تعهد به حقیقت هنری و علمی را وارد عکس‌هایش کند (حکمی، ۱۳۹۰: ۶۰) (تصویر ۴).



تصویر ۴- کارت مطبوعاتی شیم، سال ۱۹۳۶، آژانس عکس فرانسه RAP، متعلق به یکی از دوستان خانوادگی، آرشیو شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 04).

تصویر ۳- البوت ارویت، دیوید سیمور (شیم)، ۱۹۵۴، عکس‌های مگنوم (URL 03).

«شیم» هر از گاهی در مناسبت‌های مختلف، برای مجله «ریگاردز»^۶ که شدیداً هوادار جبهه‌ی خلق بود، از «بلوم» عکس می‌گرفت. او از اوایل سال ۱۹۳۳، شروع به فعالیت‌هایی برای مجله کرده بود و زمانی که مجله یک‌سال بعد به‌صورت هفتگی درآمد، به‌عنوان پرسنل عکاس مجله منصوب شد. ریگاردز، جانی دوباره به عکاسی انسان‌گرایانه فرانسه داد و شیم به خاطر موفقیت‌های عکاسی مجله، سزاوار به دست آوردن اعتبار زیادی بود (حکمی، ۱۳۹۰: ۵۸). از سال ۱۹۳۴، داستان‌های تصویری او به‌طور منظم در Paris-Soir و Regards^۷ ظاهر می‌شد. در دوران فعالیتش در پاریس به‌عنوان یک عکاس مطبوعاتی مورداحترام مطبوعات چپ فرانسه قرار گرفت. تصاویر وی از جنگ ضد فاشیست در اسپانیا در سطح بین‌المللی منتشر شد. به دلیل فعالیت هم‌زمان در فرانسه و اسپانیا به سردبیران پیشنهاد داد که دوست عکاسش، رابرت کاپا نیز در ثبت تصاویر به آن‌ها کمک کند. کاپا بی‌درنگ این

1- David RAPAPORT.
2- Dawid SZYMIN.
3- Yiddish.

۴- لایزیگ (Leipzig) مرکز مهمی در امر چاپ و انتشارات، با بیش از ۲۰۰ شرکت انتشاراتی و تعداد مشابهی کارگاه‌های ریخته‌گری حروف چاپ، صحافی‌ها و شرکت‌های مربوطه بود (حکمی، ۱۳۹۰: ۶۰).

5- Chim
6- Regards.

۷- هفته‌نامه خبری فرانسوی است.
۸- یک ماهانه اخبار فرانسه کمونیست است که در پاریس، فرانسه منتشر می‌شود.

همکاری را پذیرفت. «شیم یکی از اولین نفرات در صحنه بود و از درگیری‌های طرفداران حکومت و آشوبگران که هر دو طرف آموزش‌دیده و مسلح بودند، عکس گرفت. او به سرعت پوشش دادن صحنه نبرد را به کاپا واگذار کرد که به فاصله کوتاهی با نامزدش «گردا تارو» که او هم عکاس مهاجر آلمانی بود، وارد آن‌جا شدند. شیم، مرد صلح و هم‌دردی، ترجیح داد که تلاشش را بر روی شهروندانی که از صحنه‌ی نبرد دور بودند، متمرکز کند. یکی از افشاگرانه‌ترین عکس‌هایش به تصویر کشیدن زنی در حال مراقبت از یک طفل است، در حالی که دارد به جلسه اصلاحات ارضی نگاه می‌کند. او در مقابل نورپردازی قوی جانبی، از گوشه چشم با ابروهای درهم‌کشیده، بالا را نگاه می‌کند صورت ساده‌ی او، احساسی ترکیبی را بیان می‌کند: امید، نگرانی و بیم. شیم او را نماد کاملی برای مبارزه جهت صیانت از آزادی و دموکراسی در اسپانیا یافت» (همان: ۵۹) (تصویر ۵).

پس از جنگ اسپانیا، سیمور از سوی «لازارو کاردناس» رئیس‌جمهور مکزیک، برای عکاسی به این کشور دعوت شد. سوژه‌ی اصلی او در این پروژه کارگران، بچه‌ها و جشنواره‌ها بودند. او عکس‌های با احساسی از پالایشگاه نفت این کشور به ثبت رساند که بر عظمت، زاویه‌دار بودن و تناسب هندسی تأکید داشت. در سال ۱۹۳۹، درست بعد از آغاز جنگ جهانی دوم، شیم مکزیک را به مقصد نیویورک ترک کرد و خدمات عکاسی «لکو» را به همراه دوست صمیمی‌اش «لئو کُن» در خیابان چهل‌ودوم نیویورک تأسیس کرد. در این دوران مأموریت پوشش «هفته لهستان» را از سوی مجله‌ی لایف^۱ پذیرفت.



تصویر ۶- عکاس ناشناس، گروهیان ارشد ارتش ایالات متحده، دیوید سیمور در طول جنگ جهانی دوم، ۱۹۴۲-۱۹۴۴، آرشیو شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 04).



تصویر ۵- دیوید سیمور، زنی در جلسه‌ی اصلاحات ارضی، استرمادورا، اسپانیا، ۱۹۳۶ (حکمی، ۱۳۹۰: ۶۶).

شیم در دوران کار حرفه‌ای خود برای مجلات لایف، لوک^۲، ریگاردز، پاری ماچ^۳ و... عکس‌های متفاوتی را ثبت کرده است. «شاید برانگیختگی به خاطر نگرانی از وضعیت والدینش که هنوز در لهستان اشغالی زندگی می‌کردند، بود که تلاش کرد قبل از این‌که به خدمت زیر پرچم ارتش در سال ۱۹۴۲ فراخوانده شود، داوطلبانه خدمت سربازی‌اش را در دولت ایالات متحده بگذراند. زمانی که در کمپ ریچی در میلند در حال آموزش اطلاعات نظامی بود، در دادگاه نزدیکی در «هیگزرتاون» به‌عنوان یک شهروند آمریکایی به تابعیت آمریکا درآمد و از بیم انتقام‌گیری نازی‌ها علیه خانواده‌اش، نام جدید «دیوید رابرت سیمور» را برای خود برگزید. والدینش چندی بعد در محله‌ی یهودی‌نشین در لهستان مردند» (حکمی، ۱۳۹۰: ۵۹). اگرچه او نام دیوید سیمور را برای خود انتخاب کرد اما همچنان دوستان و همکارانش از او به‌عنوان شیم یاد می‌کردند (تصویر ۶).

در سال ۱۹۵۶ سیمور در یونان تعطیلات خود را می‌گذراند که تنش در خاورمیانه با بحران سوئز؛ افزایش یافت و اسرائیل شبه‌جزیره سینا را به‌واسطه‌ی بندری که حمله از آنجا آغاز شده بود، به اشغال خود درآورد. سیمور با سایر روزنامه‌نگاران از جمله فرانک وایت^۴ (از تایم-لایو) و بن برادلی^۵ (از نیوزویک) به مقصد پورت سعید پرواز کرد. از آخرین حضور سیمور در منطقه‌ی جنگی به‌عنوان عکاس، ۱۶ سال می‌گذشت. «اما به‌جای این‌که جنگ تهدیدی برای او باشد، جان تازه‌ای به او بخشید. روز دهم نوامبر ۱۹۵۶، چهار روز پس از این‌که معاهده ترک مخاصمه امضاء شد، سیمور همراه «ژان روی»^۶ از نشریه‌ی پاری ماچ، برای پوشش خبری مبادله‌ی اسیران زخمی جنگ، روانه شد. هنگامی که «روی» با سرعت غیرمجاز از خطوط مرزی مصر به محل تبادل اسرا می‌راند، هردو بر اثر شلیک گلوله از پای درآمدند. جیب با گلوله سوراخ‌سوراخ شده‌ی یک‌وری شده، از جاده خارج و به داخل کانال سوئیس سقوط کرد و در یک لحظه زندگی درخشانش به پایان رسید» (حکمی، ۱۳۹۱: ۵۹). عکس از دو غیرنظامی زخمی، غرق در خون که روی تشک مشترک قرار گرفته‌اند، مستقیماً در مورد تلفات انسانی جنگ صحبت می‌کند. سیمور این عکس را در ۹ نوامبر ۱۹۵۶، یک روز قبل از کشته شدن، ثبت کرده است (تصویر ۷ و ۸).

1- Life.
2- Look.
3- Paris-Match.
4- frank WHITE.
5- Ben BRADLEY.
6- Jean ROY.



تصویر ۸- عکاس ناشناس، مراسم تشییع جنازه عکاس Chim و ژان روی، ۱۴ نوامبر ۱۹۵۶، در نزدیکی پورت فواد، مصر، آرشیو شیم، مگنوم فتوز (URL 04).



تصویر ۷- دیوید سیمور، غیرنظامیان، ۹ نوامبر ۱۹۵۶، پورت سعید، چاپ نقره‌ای ژلاتین، هدیه بن شنیدرمن، آرشیو شیم، مگنوم فتوز (URL 04).

۶- اقدامات

دیوید سیمور از اوایل دهه ۱۹۳۰ تا مرگ ناگهانی‌اش در ۱۹۵۶، در یک دوره ۲۵ ساله، بسیاری از وقایع مهم سیاسی را پوشش داد. او به عکاسی از جنگ داخلی اسپانیا، بازسازی اروپا پس از جنگ جهانی دوم، سال‌های اولیه تأسیس دولت اسرائیل و... پرداخت. پس از پوشش جنگ داخلی اسپانیا، تمرکز خود را روی تأثیر این درگیری بر شهروندان غیرنظامی گذاشت. پس از پایان این پروژه، با مهاجران جمهوری‌خواه اسپانیا به مکزیک رفت. در آغاز جنگ جهانی دوم، او به نیویورک نقل مکان کرد. وی در ادامه به عکاسی از هنرمندانی چون پیکاسو^۱ و ستارگان مهم هالیوود مانند آدری هپبورن^۲، سوفیا لورن^۳ و... پرداخت (تصویر ۹).

شاید برای رهایی از تنش‌های جنگ، توجه جامعه به سمت چهره‌های مشهور، خصوصاً ستاره‌های سینما جلب شد. حس انسان‌دوستی‌ای که «سیمور» را به عکاسی از کودکان جذب می‌کرد، وی را به عکاسی از چهره‌هایی چون کریک داگلاس، اینگرید برگمن، جین لولو بریجیدا، سوفیا لورن و هنرمندان دیگر واداشت. به همان اندازه که توانست با بچه‌ها ارتباط برقرار کند، موفق شد حس اعتماد ستاره‌های سینما را هم به خود جلب کند. او به آرامی، با گفتگو پیرامون موضوع‌های موردعلاقه‌ی هنرمندان، به درون زندگی آن‌ها نفوذ می‌کرد. در طول مدت پروژه عکاسی بیشتر در پی کشف وجود انسانی هنرمندان بود تا بت‌های سینمایی.



تصویر ۱۰- هانری کارتیه برسون، عکاسان رابرت کاپا (سمت چپ) و دیوید سیمور (سمت راست)، ۱۹۵۲، عکس‌های مگنوم (URL 06).



تصویر ۹- دیوید سیمور، پیکاسو در مقابل گرنیکا، ۱۹۳۷، پاریس، چاپ ۱۹۸۲، چاپ نقره ژلاتین، هدیه بن شنیدرمن، آژانس عکس مگنوم (URL 05).

۷- آژانس عکس مگنوم^۴

سیمور و برسون روحیات نزدیک به هم داشتند و هر دو از طبع لطیفی برخوردار بودند. اقتضای شرایط آنان را به سمت عکاسی جنگ کشاند. «به دنبال جنگ جهانی دوم، کاپا در پی گیری ایده‌ای که سال‌ها به آن فکر کرده بود، هیچ فرصتی را از دست نداد. او می‌خواست نوع جدیدی از آژانس عکس را راه بیندازد، یک تعاونی بین‌المللی عکس با استقلال در امر سردبیری که در آن عکاسان -نه سردبیران- مسئول باشند. در این تلاش جدید، طبیعتاً سیمور و کارتیه-برسون به همراه یک نفر انگلیسی به نام جرج راجر، شریک کاپا شدند. آن‌ها با وجهه‌ای بین‌المللی در پس‌زمینه و دورنما، پوشش خبری جهان را طوری قسمت کرده‌اند که سیمور اساساً در اروپا، کارتیه-برسون در آسیا، راجر در آفریقا و خاورمیانه و کاپا به‌طور عام کار کند» (همان: ۵۸).

در سال ۱۹۴۷، هانری کارتیه-برسون، رابرت کاپا و دیوید سیمور، برای بهبود نحوه‌ی ارتباط با نشریات گوناگون و افزایش تناسب عملکرد کاری بر اساس علایق شخصی‌شان به یکدیگر پیوستند و آژانس عکس مگنوم را تأسیس کردند (تاسک، ۱۳۹۷:

1- Pablo PICASSO.
2- Andrew HEPBURN.
3- Sophia LOREN.

۴- Magnum Photos، یک آژانس بین‌المللی عکس است که دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، یعنی در سال ۱۹۴۷ توسط گروهی از عکاسان بنیان گذاشته شد. مگنوم که یکی از معتبرترین آژانس‌های عکس جهان محسوب می‌شود توسط چهار عکاس به نام‌های رابرت کاپا، هانری کارتیه برسون، جرج راجر و دیوید سیمور تأسیس شد.

۱۹۲). آژانس عکس مگنوم همچنان یکی از مهم‌ترین آژانس‌های عکس مستند در جهان محسوب می‌شود. پس از مرگ کاپا در سال ۱۹۵۴ در جنگ هند و چین که بر اثر انفجار یک مین زمینی اتفاق افتاد، سیمور ریاست مگنوم را به عهده گرفت. این ضایعه لطمه‌ی شدیدی به سیمور وارد کرد. مگنوم برای ادامه‌ی مسیر و ثبت رویدادهای یونان و اسرائیل بیش از گذشته به سیمور نیاز داشت. وی ریاست مگنوم را تا زمان مرگ در ۱۰ نوامبر ۱۹۵۶ به عهده گرفت (تصویر ۱۰). این آژانس با جذب عکاسان از نقاط مختلف جهان، مسئول ثبت حوادث گوناگون در زمان جنگ و صلح شد. کتاب Magnum Degrees بخشی از ۵۰ سال فعالیت این آژانس در دهه ۱۹۹۰ است. بخشی از عکس‌های این کتاب توسط عکاسان آماتور در مکان‌هایی نامعلوم که زندگی و حضور در آن مناطق دور از ذهن بوده، ثبت شده است.

۸- مأموریت یونیسف

بهار سال ۱۹۴۸، مدیر ارتباطات جمعی و اطلاعات عمومی یونسکو، «جان گریسون» مأموریتی به شیم ابلاغ کرد: تهیه گزارش پیرامون سرنوشت ۱۳ میلیون کودک در سراسر اروپا که در اثر جنگ جهانی دوم بی‌خانمان شده یا به شدت نیازمند هستند. همچنین ثبت ارزیابی پیشرفت آن‌ها از طریق کمک‌هایی که سازمان به‌صورت اسکان، وعده‌های غذایی، لباس و واکسیناسیون، به آنان ارائه داده است. سیمور مشتاقانه به این دعوت کاری پاسخ مثبت داد. تمرکز او بر وضعیت کودکان آسیب‌دیده در پنج جنگ در کشورهای اروپایی بود. درست همین‌جا بود که نخستین مأموریت بین‌المللی عکاسی از طرف یونسکو شکل گرفت. این پروژه به‌زودی تبدیل به یک کار عاشقانه برای او شد. او شش ماه با دوربین «لایکا ۲۵۷» کار کرد. از بهار تا پاییز ۱۹۴۸، سیمور به پنج کشور اروپایی یعنی: اتریش، یونان، ایتالیا، مجارستان و زادگاهش لهستان سفر کرد. نتیجه آن‌یکی از قوی‌ترین پروژه‌های عکاسی مستند، درباره‌ی تأثیر جنگ بر کودکان شد. «هیچ مجموعه عکس دیگری نمی‌توانست در این حد از کمال، عمق احساس همدردی بشردوستانه سیمور را نشان دهد. بیننده، بچه‌هایی را مشاهده می‌کند که به‌صورت سرگرم‌کننده‌ای مقابل دوربین حالت می‌گیرند، با حزن و اندوه کاسه‌های سوپ‌شان را بالا نگه می‌دارند و علی‌رغم معلولیت‌های حاصل از جنگ، شادمانه بازی می‌کنند. حتی عکس‌های متأثر کننده‌ترش، مربوط به بچه‌هایی است که از نظر عاطفی به‌هم‌ریخته‌اند. این عکس‌ها زخم‌های وحشتناک روانی بعد از پایان جنگ را که تا مدت طولانی باقی می‌ماند، افشا می‌کنند» (حکمی، ۱۳۹۱: ۵۸).

عکس‌های این مأموریت بین‌المللی، در سال ۱۹۴۹ با ۵۲ عکس در کتابی با عنوان «بچه‌های اروپا» توسط «سازمان آموزشی علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد» (یونسکو) منتشر شد. این مجموعه عکس به‌تازگی توسط یک تاریخ‌نگار عکاسی به نام کارول ناگار^۱ ویراستاری و در ایالات متحده آمریکا با نام کودکان جنگ، چاپ و منتشر شده است. کتاب تازه منتشر شده، مأموریت حرفه‌ای او را که منجر به تعیین استانداردهای عکاسی در حمایت از کودکان شد، برجسته کرده است. کتاب ناگار، شامل بسیاری از عکس‌های سیمور از یتیم‌خانه‌ها، مدارس، درمانگاه‌ها و برنامه‌های غذایی مربوط به آن است. در این عکس‌ها شاهد تصویر کودکانی هستیم که مهمات منفجر نشده را که قرار است به فروش برسد، رفت‌وروب می‌کنند. عکس‌هایی می‌بینیم از کودکان آواره در یونان یا عکس‌هایی از شهر کودکان در مجارستان که تا حدودی توسط خود آن‌ها اداره می‌شود.

۹- عکاسان هم‌دوره

۹-۱- گردا تارو

گردا تارو در سال ۱۹۱۰ با نام «گرتا پوهریل» در شهر اشتوتگارت^۲ آلمان متولد شد. تارو از نخستین زنان فعال در عکاسی جنگ است. او نخستین زنی است که در خطوط مقدم جبهه عکاسی کرد. تارو به هنگام پخش تبلیغات ضد نازی در سال ۱۹۳۳ بازداشت شد. او به‌واسطه‌ی داشتن گذرنامه لهستانی آزاد شد و به پاریس گریخت. در آنجا با عکاس مجارستانی به نام آندره فریدمن آشنا شد. از همان زمان، رابطه‌ی حرفه‌ای و عاشقانه‌ی این دو آغاز شد. آن دو نام‌های هنری «گردا تارو» و «رابرت کاپا» را برای خود انتخاب کردند. تارو و کاپا برای ثبت جنگ‌های داخلی اسپانیا در تابستان ۱۹۳۶ راهی این کشور شدند. هر دوی آن‌ها از دست نازی‌ها فرار کرده بودند. به همین دلیل، انگیزه زیادی برای ثبت درگیری نیروهای جمهوری‌خواه با نیروهای فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور فاشیست و متحدش هیتلر داشتند. تارو به همراه رابرت کاپا، یکی از مشهورترین عکاسان جنگی، سبک مدرنی از هنر عکاسی در جبهه جنگ را به ثبت رساند که در واقع به قیمت جان‌ش تمام شد (تصویر ۱۲) (URL 07).

1- Carole NAGGAR.
2- Stuttgart.



تصویر ۱۲- عکاس ناشناس، گردا تارو، ژوئیه (URL08).



تصویر ۱۳- گردا تارو، شبه‌نظامی زن جمهوری خواه در حال تمرین در ساحل، خارج از بارسولونا، اوت ۱۹۳۶ (URL08).

گرداتارو از زنان اسپانیایی به هنگام تمرین تیراندازی، در اوت ۱۹۳۶ در بارسولونا عکاسی کرد. این عکس جزو آثار موفق تارو به شمار می‌رود. تارو ۲۵ ژوئیه ۱۹۳۷ در برونت توسط یک تانک زخمی شد و یک روز بعد در سن ۲۶ سالگی درگذشت. پس از درگذشت تارو، عکس‌هایش تا حد زیادی در آشفتگی ناشی از جنگ جهانی دوم به فراموشی سپرده شد. ایرم شابر در سال ۱۹۹۴ زندگی‌نامه تارو را منتشر کرد که شامل خاطرات کسانی بود که وی را می‌شناختند. دنیای عکاسی به سرعت ارزش و اعتباری هم‌پایه با کاپا برای تارو قائل شد. امروزه تارو به‌عنوان یکی از پیشگامان عکاسی جنگی مدرن شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۷ شورای شهر مادرید تصمیم گرفت خیابانی در شهر را به نام گرداتارو نام‌گذاری کند (تصویر ۱۳) (URL 07).

۹-۲- رابرت کاپا

رابرت کاپا با نام واقعی «آندره آرنو فریدمن»^۱، عکاس انسان‌گرا، ضد جنگ و فتوژورنالیست مجارستانی است. کاپا در ۲۲ اکتبر ۱۹۱۳ در مجارستان به دنیا آمد. برای ادامه تحصیل در «مدرسه آلمانی سیاست» در برلین، زادگاهش بوداپست را ترک کرد. هنگامی که حمایت مالی خانواده‌اش قطع شد، به جستجوی کار پرداخت و در نهایت در تاریک‌خانه‌ای در دفوت مشغول فعالیت شد. در اواخر تابستان ۱۹۳۳ پیش از سفر به پاریس، به دلیل افزایش حمله‌ی نازی‌ها علیه یهودیان، برای مدت کوتاهی روانه‌ی بوداپست شد. او از معروف‌ترین عکاسان جنگ در طول قرن بیستم به شمار می‌آید. کاپا استانداردهای متداول در زمینه‌ی عکاسی جنگ را پایه‌گذاری کرد. «عکس‌های او توأمًا جنگ را هم به‌صورت واقع‌بینانه و هم به نحوی پویا به تصویر می‌کشید. عکس معروفی که کاپا در جنگ اسپانیا از لحظه‌ی کشته شدن یک سرباز در لحظه‌ی اصابت گلوله به او _ گرفته است مدت‌ها مهم‌ترین عکس در مقوله هستی قلمداد می‌شد» (تاسک، ۱۳۹۷: ۱۷۸). کاپا از پنج جنگ مختلف عکاسی کرد: جنگ داخلی اسپانیا، جنگ دوم چین و ژاپن، جنگ جهانی دوم در سراسر اروپا، جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و اولین جنگ هند و چین (تصویر ۱۴). در زمان جنگ هند و چین در ۲۵ می ۱۹۵۴ او در حال عبور از منطقه‌ای خطرناک از ماشین پیاده شد و برای عکاسی از جاده بالا رفت. پنج دقیقه بعد، صدای انفجار شنیده شد، پای کاپا بر روی یک مین رفت و به شدت مجروح شد. او توسط همراهانش به یک بیمارستان محلی کوچک منتقل شد اما در حالی که دوربین در دستانش بود چشم از دنیا فروبست (URL 09).



تصویر ۱۴- گردا تارو، کاپا در حال عکاسی با استفاده از دوربین فیلم ۱۶ میلی‌متری، اسپانیا (URL 09).



تصویر ۱۵- هنری کارتیه برسون، جرج راجر هنگام آزادی پاریس، ۱۹۴۴ (URL 10).

۹-۳- جرج راجر

جرج راجر، عکاس خبری اهل بریتانیا در سال ۱۹۰۸ در انگلستان به دنیا آمد. به تجارت دریایی مشغول شد اما از شغلش راضی نبود به دلیل علاقه زیادی که به عکاسی داشت، در سال ۱۹۳۶ به استخدام BBC درآمد و به‌طور جدی به عکاسی پرداخت. در سال ۱۹۳۹ جز اولین کسانی بود که به استخدام مجله لایف درآمد. عکس‌های وی از آفریقا، پایان جنگ جهانی دوم و اردوگاه کار اجباری برگن-بلزن به‌شهرت بسیار رسید. جرج راجر یکی از اعضای مهم مؤسسه مگنوم فوتوز بود که «ضمن سفرهای طولانی خویش در آفریقا و آسیا؛ تصاویر جالب از گروه‌های خانوادگی گرفت که خصوصیات بارز قیافه‌های هر نژاد را آشکار می‌کرد. ضمناً

1- Endre Erno FRIEDMANN.

مجموعه‌ی جالب از این عکس‌ها در مجله‌ی خانوادگی زنان چاپ شد^۱ (تاسک، ۱۳۹۷: ۳۱۲). او سرانجام در سن ۸۷ سالگی در سال ۱۹۹۵ درگذشت (تصویر ۱۵) (URL 10).

۹-۴- هنری کارتیه برسون

این عکاس فرانسوی ۲۲ اوت ۱۹۰۸ در شانتلو^۱ به دنیا آمد و در پاریس بزرگ شد. ابتدا به آموختن نقاشی مشغول شد. «به‌عنوان یک نوجوان، به تحصیل نقاشی نزد هنرمندانی مانند ژاک-امیل بلانش^۲ (یکی از دوستان مارسل پروست و گرتروید اشتاین) و آندره لوت^۳، یکی از صاحب‌نامان کوبیست^۴، پرداخت. او مجذوب فرا واقع‌گرایان شد، زمانی که آندره برتون^۵ و همکارانش درباره‌ی هنر و زندگی در کافه‌های موردعلاقه‌شان در ساحل غربی به بحث می‌پرداخته‌اند، غالباً غرق توجه به آن‌ها می‌شد. تأثیر ایده‌های فرا واقع‌گرایانه بر او تا سال ۱۹۳۰ که کار عکاسی را شروع کرد، ادامه داشت. آشنایی مقدماتی او با این رسانه، او را به خریدن یک دوربین لایکا و مسافرت به آلمان، لهستان و مجارستان، هدایت کرد. کشورهایی که سه دوست را با علائق معمول در عکاسی، کنار هم گردآورد» (حکمی، ۱۳۹۰: ۵۸). سپس به‌صورت جدی به هنر عکاسی پرداخت. سال ۱۹۳۶ پس از سفرهای بسیار به فرانسه بازگشت و به کار فیلم‌سازی مشغول شد. از بین فیلم‌های او به فیلم مستندی پیرامون جنگ‌های داخلی اسپانیا می‌توان اشاره کرد. «از اواخر سال‌های ۱۹۴۰، نام کارتیه برسون تقریباً مترادف عکاسی شد. شهرت او در ۱۹۵۲ با انتشار نخستین کتاب مهم وی با نام «تصاویر آنی^۶» که در آمریکا با عنوان «لحظه‌ی قطعی^۷» منتشر شد، به اوج رسید. در ۱۹۵۵ کتاب «اروپاییان^۸» را انتشار داد و در همان سال، عکس‌های وی در عمارت مارسان^۹ موزه‌ی لوور به معرض تماشا گذاشته شد. اندک زمانی بعد و همچنان در ۱۹۵۵، کتابی درباره‌ی مسکو با نام «مسکو^{۱۰}» و کتابی درباره‌ی چین با عنوان «از چینی به چین دیگر^{۱۱}» را منتشر ساخت» (کو: ۱۳۹۳: ۲۸۹).

او نقش اساسی در ابداع و گسترش فوتوژورنالیسم (عکاسی خبری) و همچنین عکاسی لحظه‌ای و خیابانی داشت. وی به اقصی نقاط دنیا سفر و با دوربین مشهور لایکای ۳۵ میلیمتری خود، تقریباً به صورتی نامحسوس صحنه‌ها را ثبت می‌کرد. زمانی که جنگ جهانی آغاز شد، در ارتش فرانسه مدت کوتاهی خدمت کرد تا در جنگ اسیر آلمان‌ها شد و پس از دو بار تلاش، در نهایت از زندان گریخت. در سال ۱۹۴۷ با کمک به شکل‌گیری آژانس عکس مگنوم، پس از جنگ نیز فعالیت ژورنالیستی‌اش را ادامه داد. به دلیل همکاری با مجله‌های مطرح آن زمان، به سفرهای گوناگون در اروپا، آمریکا، چین، روسیه و هند رفت. از میان کتاب‌های فراوانی که از کارتیه برسون در دهه‌های ۶۰ و ۵۰ چاپ شد، لحظه قطعی در سال ۱۹۵۲ از همه معروف‌تر است. کارتیه برسون در ۳ اوت ۲۰۰۴، در سن ۹۵ سالگی در خانه‌اش درگذشت (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۷- سیمور، دیوید؛
(۱۳۶۳)، از جنگ بگوئیم...،
ریاحی، برکت، چاپ دوم،
تهران، نشر روشنه.



تصویر ۱۶- مارتین فرانک،
هنری کارتیه برسون، ۱۹۷۲
(URL 11)

۱۰- کتاب‌ها

کتاب از جنگ بگوئیم... در ایران به همت دو نفر، با نام‌های مستعار ریاحی و برکت در سال ۱۳۶۳ توسط نشر روشنه چاپ و منتشر شده است. این کتاب شامل تعدادی از عکس‌های ضد جنگ دیوید سیمور است که در آن به رنج و بینوایی کودکان پرداخته است. عکس‌های شیم با تمرکز بر روی آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ یعنی کودکان، بسیاری از مردم را نسبت به عواقب جنگ آگاه کرد و در نتیجه باعث صلح شد. مؤلف در این کتاب به نقل از یکی از کودکان نوشته است: «دنیا را با ما قسمت کنید. پلک برهم زدن ما هم بزرگ شده‌ایم. این دفعه دیگر ما را رها نکنید و نگذارید ایمان به نیکی از بین برود. نیکی! که این همه در راه آن

- 1- Chanteloup.
- 2- Jacques Emile BLANCHE. (۲۶۸:۱۳۹۵، پاکباز،)
- 3- Andre LHOTE. (۳۷۵:۱۳۹۵، پاکباز،)
- 4- Cubist. (۱۶۶:۱۳۹۵، پاکباز،)
- 5- Andre BRETON. (۲۶۴:۱۳۹۵، پاکباز،)
- 6- Image a La Sauvette.
- 7- The Decisive Moment.
- 8- Les Europeens.
- 9- Marsan.
- 10- Moscou.
- 11- D'une Chine a L'Autre.

مبارزه کردید» (ریاحی، برکت، ۱۳۶۳: ۵۲). آثاری از این هنرمند در کتاب‌های چون کودکان اروپا، واتیکان، ترسکا و عکاس او، رابرت کاپا و دیوید سیمور، شیم، آن‌ها در ابولی متوقف نشدند و... منتشر شده است (تصویر ۱۷).

۱۱- فیلم

چمدان مکزیکی^۱ یک فیلم مستند، به کارگردانی تریشا زیف^۲ در سال ۲۰۱۱ است. این فیلم داستان بیش از ۴۰۰۰ فیلم و نگاتیو گمشده است که در طول جنگ داخلی اسپانیا توسط عکاسانی چون دیوید سیمور، گریس تارو و رابرت کاپا خلق شده بود. این فیلم، سفر عکس‌ها را از ناپدید شدن آن‌ها در آغاز جنگ جهانی دوم تا کشف مجدد آن‌ها در سال ۲۰۰۷ دنبال می‌کند (تصویر ۱۸) (URL 12).



تصویر ۱۹- لیستی از تجهیزات عکاسی دیوید سیمور، ۱۹۵۳، آرشیو شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 04).

تصویر ۱۸- پوستر فیلم چمدان مکزیکی، دیر تریشا زیف، اسپانیا، انتشار اولیه ۱۱ نوامبر ۲۰۱۱ (URL 12).

۱۲- نوع دوربین

دیوید سیمور جهت عکاسی از دو دوربین لایکا و رولیفکس استفاده می‌کرد. «دوربین لایکا در سال ۱۹۱۳ توسط دکتر «اسکار بارناک» مهندسی که برای شرکت اپتیکی ای. لایتز در وتزلار آلمان کار می‌کرد، ثبت اختراع شد، اما به خاطر پیشامد جنگ جهانی اول، ارائه‌ی آن در بازار تا سال ۱۹۲۵ به تعویق افتاد. این دوربین از فیلم ۳۵ میلی‌متری استفاده می‌کرد و دارای عدسی‌هایی با قدرت بسیار بالا بود که نور را به‌صورت بسیار کارآمدی متمرکز می‌ساخت، طوری که در شرایط نور کم هم می‌توانست استفاده شود. اندازه‌ی کوچک لایکا، عکاسان را قادر می‌ساخت بدون جلب توجه کار کنند. شیم از جمله کسانی بود که بسیار زود به سمت لایکا روی آورد و آن را به‌طور مؤثری بکار گرفت» (حکمی، ۱۳۹۰: ۶۱) (تصویر ۱۹).

۱۳- ترسکا

ترسکا در یک مرکز لهستانی برای کودکان آسیب‌دیده‌ی روانی نگهداری می‌شد. هنگامی که از او خواسته شد تصویری از خانه را نقاشی کند، این خطوط متزلزل را ایجاد کرد. پرتره‌ی ترسکا، یکی از مشهورترین تصاویر سیمور، به‌عنوان پوششی برای کتاب‌های مربوط به ترس، آسیب و هولوکاست مورد استفاده قرار گرفته است و نمادی مشهور برای بنیاد آلمانی Tereska می‌باشد (URL13).

این عکس در مجله‌ی لایف با این متن منتشر شد: «زخم‌های کودکان همه ظاهری نیست. کسانی که در ذهنشان سال‌ها غم و اندوه ساخته‌شده، سال‌ها طول می‌کشد تا بهبود یابند» (URL 14). بعدها این عکس برای نمایشگاه افسانه‌ای، خانواده‌ی بشر توسط ادوارد استایکن^۳ انتخاب و به نمایش گذاشته شد. این عکس از ترسکا، در حال کشیدن تصویری از خانه، بسیار مورد توجه قرار گرفت و به نمادی از کودکان در جنگ جهانی دوم تبدیل شد (تصویر ۲۰).

1- Mexican suitcase.

2- Trisha ZIFF.

۳- Edward STEICHEN، عکاس اهل ایالات متحده آمریکا است که به‌عنوان بنیان‌گذار نهضت عکاسی جدایی‌طلب شناخته می‌شود.



تصویر ۲۰- دیوید سیمور، ترسکا خانه خود را نقاشی می‌کند، ۱۹۴۸، مجله لایف، جلد ۲۵، شماره ۲۶، ۲۷ دسامبر ۱۹۴۸، صفحه ۱۶ (URL 13).



تصویر ۲۱- دیوید سیمور، ساختمان مدرسه‌ی ترسکا، ۱۹۴۸، دوربین ۳۵ میلی‌متری رولیفکس، ورشو، لهستان، آرشیو شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 18).

۱۳-۱- عکاسی از ویرانه‌های ورشو تا ترسکا

اوایل سپتامبر ۱۹۴۸، شیم پس از سفر به ایتالیا، یونان، اتریش و مجارستان به زادگاه خود لهستان سفر کرد و متوجه شد، پدر و مادرش توسط نازی‌ها کشته شده‌اند. سیمور در ویرانه‌های ورشو از استادیوم فوتبال لجیای وارساوا^۱ عکاسی کرد. تنها ساختمانی که در بمب‌گذاری‌های ورشو نابود نشده بود، ساختمان مدرسه‌ای در خیابان استاوکی^۲ بود. او از کودکان در حال هل دادن گاری‌های چرخ‌دار پر از آوار و بچه‌های مدرسه‌ی ترسکا در مقابل ساختمان‌های ویران شده عکاسی کرد (تصویر ۲۱). مدرسه‌ای که سیمور در آن به عکاسی از ترسکا می‌پردازد، موضوع یک فیلم کوتاه در سال ۱۹۴۸ بود. هویت ترسکا تقریباً ۷۰ سال به‌عنوان یک راز باقی ماند. به‌تازگی تحقیقاتی برای شناسایی او انجام شده است. سه دختر با نام ترسکا در لیست کلاس‌های ۱۹۴۸ توسط محققان، شناسایی شدند. یکی از آن دختران از نظر سنی بزرگ‌تر از سوژه‌ی عکاسی سیمور بود، تصویر چهره ترسکای دوم در آلبوم خانوادگی ردیابی شد، مشخص شد که او نیز ترسکای درون نیست. مشخصات سیمین ترسکا که در آن دوره ۷-۸ ساله بود، با ترسکای در عکس مطابقت داشت. طبق اسناد، او یک‌سال بعد از این عکس، مدرسه را ترک می‌کند. توسط تیم تحقیقاتی اطلاعاتی از برادر و زن‌برادر او به دست آمد و آلمان‌هایی از زندگی او در کنار هم قرار گرفت (URL 14).

ترسا آدونتوسکا در یک خانواده کاتولیک به دنیا آمد. او یکی از دو دختر ژان کلمنز، از فعالان سیاسی لهستان بود. پدر ترسکا در ورشو مغازه قنادی داشت. پدرش در طی انقلاب وارساوا (اگوست تا اکتبر ۱۹۴۴) به شدت شکنجه شده بود به‌طوری که دندان‌های او را شکسته بودند. مادر ترسکا در طول جنگ جهت تأمین مالی خانواده، برای فروش کالا به محله‌های یهودی‌نشین سر می‌زد (URL 15). در اوایل قیام ورشو در اگوست ۱۹۴۴، نیروهای آلمانی با قتل‌عام و نسل‌کشی، بین ۴۰/۰۰۰ تا ۵۰/۰۰۰ غیرنظامی لهستانی را در منطقه «وولا» که ترسکا زندگی می‌کرد، کشتند. هنگامی که به خانه آن‌ها حمله شد، «جاذبیا» ۱۴ ساله به همراه ترسکای ۴ ساله به دنبال مادر بزرگشان از خانه فرار کردند، مادر بزرگ او برای آوردن چیزی به آپارتمان رفت و دیگر برنگشت، به‌احتمال زیاد به ضرب گلوله کشته شد. سپس خانه منفجر شد و همه آن‌هایی که هنوز در آنجا بودند دفن شد. ترکش به سر ترسکا اصابت کرد که منجر به آسیب دیدن مغز او شد. ترسکا به همراه خواهرش از ورشو فرار کردند. گرسنه با پای پیاده در یک کشور جنگ‌زده و بدون کمک پزشکی به روستایی در ۶۵ کیلومتری ورشو رفتند. در این دوره شرایط جسمی و روحی ترسکا بدتر شد.

پس از جنگ ترسکا با پدر و مادرش زندگی کرد و در مدرسه‌ای که دیوید سیمور با او ملاقات کرد، مشغول به تحصیل شد. او به خاطر حسن رفتار، آواز، نقاشی و کارهای دستی‌اش مورد توجه بود. اما بعدها آن‌قدر به لحاظ روانی آشفته شد که مجبور بود مدتی را در آسایشگاه روانی، در اویسی ۱۹۰ مایلی ورشو بگذراند. والدین وی با چندین متخصص و روان‌پزشک از آلمان و ایالات متحده مشورت کردند، اما به غیر از داروهای آرام‌بخش، کمک چندانی به ترسکا نشد. در نوجوانی به سیگار و الکل اعتیاد پیدا کرد و برخورد خشنی با برادر کوچک‌تر خود داشت. تنها چیزی که می‌توانست او را آرام کند نقاشی بود. او عاشق نقاشی گل، حیوانات و طبیعت بود. در حدود سال ۱۹۶۲، زندگی‌اش را در بیمارستان روانی به نام Tworcki در نزدیکی ورشو گذراند. در این دوره تنها چیزهایی که برای او معنی داشت سیگار، غذا، مداد رنگی و نقاشی‌هایش بود (تصویر ۲۲) (URL 15).

۱- Legia WARSZAWA.

۲- Stawki.

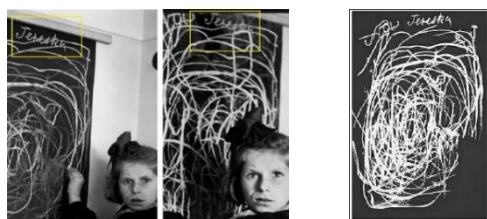


تصویر ۲۲- آلبوم عکس خانوادگی ترسکا (URL 14)

سختی‌ها و گرسنگی‌ایی که در هنگام فرار از جنگ متحمل شده بود، منجر به حس گرسنگی سیری‌ناپذیر در وجود او گشت. در سال ۱۹۷۸، در بیمارستان روانی، اتفاقی عجیب منجر به مرگ ناگوار و دراماتیک ترسا آدونتوسکا شد، غذای بیماری را دزدید و به‌طرف توالت فرار کرد تا سریع غذا را بخورد. اما به‌طور اتفاقی با آن تکه سوسیس خفه شد. عکس شیم از ترسکا به نمادی از سرنوشت کودکان در طول جنگ تبدیل شد. گویی ترسکا در تاروپود خطوط گچی خود ماندگار شد، برای ترسکا هرگز جنگ پایان نیافت.

۱۳-۲- بررسی اثر

از کودکان خواسته شده بود تا تصویر خانه خود را بر تخته‌سیاه نقاشی کنند. ترسکا، آن زمان هفت یا هشت‌ساله، مقابل تخته‌سیاه ایستاده است. با ظاهری مرتب و ذهنی آشفته! با چشمان خالی از سکنه‌اش که اضطراب و گنجی او را نشان می‌دهد تنها

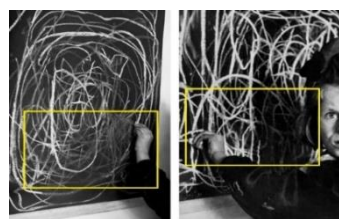


توانسته بود این خراش‌های وحشتناک، این خطوط متزلزل پیچیده با ضخامت‌های مختلف را با گچ سفید بر تخته‌سیاه ترسیم کند. این همان چیزی است که او کشیده است. فعالان بهداشت ذهنی که با کودکان کار می‌کنند از آثار هنری آنان، به‌عنوان روشی جهت پی بردن به احساساتشان و شناختن بهتر بیماران استفاده می‌کنند. برخی معتقدند، وقتی که

یک کودک خانه‌ای می‌کشد در واقع نشانگر دیدگاهش نسبت به زندگی در خانه است. در نقاشی کودکان، خانه‌ها ممکن است منظم و مستحکم ترسیم شده باشند، اما کودکی که تجربه منفی با خانواده‌اش دارد خانه را به شکل یک زندان نقاشی می‌کند. معمولاً کودک ۶ ساله برای قسمت پایین خانه مربع و برای سقفش یک مثلث می‌کشد. این در حالی است که در نقاشی ترسکا هیچ‌یک از این فرم‌های هندسی رسم نشده است.

مگنوم دو پرتو کمی متفاوت از ترسکا دارد که در لحظاتی که او روی تخته‌سیاه نقاشی می‌کرد گرفته شده است. روی یکی، نام او به‌وضوح در قسمت بالایی تابلو دیده می‌شود، در حالی که در تصویر دیگر، نام او با نقاشی پوشانده شده است. این عکس یکی از تکان‌دهنده‌ترین عکس‌هایی است که بدترین ابعاد روانی جنگ را به نمایش می‌گذارد. ترسکا تخته را دیوانه‌وار و آشفته خط خطی می‌کند و نمی‌تواند تصویری صحیح، از خانه ارائه دهد. این نقاشی با خطوط متزلزل، نماینده ذهن گیج دختر بچه است، وقتی معلمان می‌گویند: خانه‌ای بکش! ترسکا چه چیزی را می‌بیند؟ این تصویر، خاطره ترور است یا ویرانی؟ نقاشی او آینه بی‌نظمی و هرج‌ومرج جنگی است که بر سر اروپا سایه افکند.

او قادر به انجام نقاشی، شبیه دوستانش نیست. ترسکا گردبادی از خطوط درهم‌پیچیده ترسیم کرده است. در عکس سیمور، هم نقاشی و هم چهره آشفته دختر، خبر از تجربه شخصی مواجهه او با جنگ خانمان‌برانداز و تأثیرات آن می‌دهد. این در حالی است که در آرشیو مدرسه، یادداشت‌هایی از معلمان ترسکا وجود داشت که: او پرحرف است، اما تکالیف مدرسه را به‌خوبی انجام می‌دهد و به‌صورت داوطلبانه در کلاس‌های روخوانی و شمارش شرکت می‌کند. (URL 14). ترسکا با نگاه خیره برای دیدن دوربین مکت کرد، حالت چشمان او نشان می‌دهد ذهن او در مکانی تاریک گرفتار است. چشمان ترسکا بازتابی‌اند از اضطراب و سردرگمی.



بازماندگان جنگ؛ در دنیای آکنده از ترس و وحشت رشد می‌کنند و تا آخرین لحظه عمر با این احساسات ناخوشایند زندگی می‌کنند. این عکس با تغییرات اندکی دو بار تکرار شده است، شاید اولین بار بعد از ترسیم این خطوط عجیب، معلم پس از ثبت عکس توسط سیمور، تخته را پاک کرده و فرصت دوباره‌ای به ترسکا داده باشد. سیمور از بچه‌های دیگر در حال انجام همان موضوع عکاسی کرد.

آنان با تعداد خطوط کمتر، تصویری واضح با مفهوم خانه ارائه می‌دهند. اغلب خطوط، سطوح و فرم‌های نقاشی شده توسط این کودکان دارای نظم، وحدت و یکپارچگی است. طرحی که آنان از وسایل خانه و آدم‌ها ترسیم کرده‌اند قابل قبول است (تصویر ۲۳ تا

۲۵). ترسکا به عنوان نماد کودکان آسیب دیده از جنگ، تصویری تأثیرگذار را در قاب دوربین دیوید سیمور ساخته است. نگاه نافذ، چهره مضطرب، عدم تقارن چهره و برگشتنش به سمت دوربین فضایی پر از التهاب و تهدید را خلق کرده است. مخاطب در مواجهه با این عکس، اضطراب و بی‌قراری که جنگ در روان کودکان بجای می‌گذارد را در چهره ترسکا تشخیص می‌دهد. مرزی میان سفیدی و سیاهی با کنتراست شدید نوری در این تصویر ایجاد شده است. در کنار سیاهی تخته و لباس ترسکا، خطوط نقاشی به همراه چهره کودک به شکل اغراق آمیزی روشن هستند. با گردش چشم در عکس، تمرکز دیداری بر روی نقاط روشن و تأثیرگذار، یعنی چهره‌ی ترسکا و خانه‌ای که رسم کرده قرار می‌گیرد. عکاس قاب تصویر را بر روی نیمه‌ی تخته بسته است؛ زیرا تنها بخش با اهمیت تخته سیاه، نقاشی ترسکا است و بیرون از آنچه او تحت عنوان خانه رسم کرده چیز دیگری ارزش ندارد؛ زیرا جنگ حاشیه نیست، جنگ در متن زندگی آسیب را وارد می‌کند، زخم‌های غیرقابل جبران و همیشگی، زخم‌هایی که ظاهری نیستند و گاهی هرگز التیام نمی‌یابند.



تصویر ۲۵- دیوید سیمور، نقاشی کودکان در مدرسه‌ای برای کودکان آسیب دیده‌ی روانی، ۱۹۴۸، ورشو، لهستان، بایگانی شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 16).



تصویر ۲۴- دیوید سیمور، در مدرسه‌ای برای کودکان آسیب دیده‌ی روانی، یکی از آن‌ها خانه خود را روی تخته سیاه می‌کشد، ۱۹۴۸، ورشو، لهستان، بایگانی شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 14).



تصویر ۲۳- دیوید سیمور، در مدرسه‌ای برای کودکان آسیب دیده‌ی روانی، ووتک، خانه خود را روی تخته سیاه می‌کشد، ۱۹۴۸، ورشو، لهستان، بایگانی شیم، آژانس عکس مگنوم (URL 14).

سیمور، از طریق ترکیب بندی، نور، کادربندی، لایه‌های مختلفی از معنا و مفهوم را به عکس‌های خود وارد می‌کند. تقریباً اکثر عکس‌های او از قدرت روایی بالایی برخوردار هستند. او ترکیبی نادر از احساس زیبایی‌شناسی و روشنفکری را نشان می‌دهند. اغلب عکس‌های او معنای عظیمی را منتقل می‌کند، چیزی فراتر از زمان ثبت عکس. سیمور تعامل بی‌نظیری با سوژه‌های خود نشان می‌دهد، او سبکی از عکاسی را به وجود آورد که بر بسیاری عکاسان مگنوم و دیگران تأثیر گذاشته است. آثار قدرتمند سیمور استاندارد است برای عکاسی از کودکان، کار او، عکاسی برای بیدار کردن وجدان عمومی بود. ناگوار می‌نویسد: «جدای آن که بخواهیم نسبت به آلمانی‌ها موضع شخصی‌ای بگیریم، سیمور توانسته سرنوشت کودکان را به عنوان قربانیان در کادری گسترده‌تر از جنگ درک و به ما انتقال دهد» (URL 14). اما مرگ فرصت زیادی به او نداد. در میان استادان بزرگ عکاسی اروپا، سیمور همچون یک افسانه پابرجاست. عکس‌های او هم‌راستا با اصل اساسی یونیسف است که می‌گوید «اینجا هیچ کودکی دشمن نیست و از این جهت لازم است به کودکان طرفین درگیری، کمک شود تا به‌طور مساوی از نابسامانی‌های جنگ دور بمانند» (URL 14).

۱۴- نتیجه‌گیری

دیوید سیمور در ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ در ورشو متولد شد و در محیطی احاطه شده با ادبیات، هنر و موسیقی رشد یافت. پس از اخذ مدرک دیپلم به آکادمی دولتی هنرهای گرافیک و چاپ کتاب لایپزیگ رفت. پس از فارغ التحصیلی از این آکادمی، همکاری با «آژانس عکس رپ» را آغاز کرد. از دورانی که تازه عکاسی را آغاز کرده بود، بچه‌ها موضوع مورد علاقه‌اش محسوب می‌شدند. او در هر فرصت مناسب عکسی را به این مجموعه اضافه می‌کرد. سیمور به‌طور غریزی بچه‌ها را درک و با آنان همدردی می‌کرد و این حس او باعث شد کودکان نیز متقابلاً پاسخ داده و به او اعتماد کنند. او در اکثر عکس‌هایش تا سطح چشم بچه‌ها خم می‌شد تا مخاطب بتواند چیزی از دورنمای دنیای کودکان را به دست آورد. توانایی سیمور در تکلم به چند زبان مختلف، او را در ایجاد ارتباط و تفاهم با سوژه‌هایش یاری می‌نمود. دیوید سیمور در بیان عواطف و احساسات دیگران بی‌نظیر عمل می‌کرد. وی در مبارزه با ظلم و آسیبی که جنگ به کودکان رساند، حس همدردی فراوانی را در آثارش به نمایش گذاشت. منتخبی از آثار این هنرمند در سال ۱۹۴۹، تحت عنوان «بچه‌های اروپا» توسط «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد» (یونسکو) به چاپ رسید. این مجموعه عکس عمق حس همدردی بشردوستانه‌ی سیمور را در حد کمال به مخاطبین نشان می‌دهد. یکی دیگر از آثار شاخص این هنرمند با عنوان «ترسکا» در سال ۱۹۴۸ در مجله‌ی لایف به چاپ رسید. او با ترسکا در یک مدرسه ابتدایی کودکان

دارای اختلال روانی، در ورشو آشنا شد. بعدها این عکس برای نمایشگاه افسانه‌ای خانواده بشر انتخاب و به نمایش گذاشته شد. اگرچه این عکس قدیمی است، اما آن قدر عمیق و تأثیرگذار بود که بنیادی را به نام این دختر نام‌گذاری کردند که در جهت‌گیری بنیاد نیز تأثیرگذار است. این بنیاد قصد دارد به کودکانی که از مشکلات روحی، جسمی یا مشکلات مادی رنج می‌برند، صرف‌نظر از اصالت، مذهب یا زمینه سیاسی کمک کند. به‌ویژه کودکانی که در مناطق جنگی و مناطق فقیر زندگی می‌کنند و رنج و مشکلات آن‌ها توسط مردم مورد توجه قرار نگرفته است. در عکس‌های سیمور، رنجی که انسان‌ها به‌واسطه‌ی سرنوشتشان به دوش می‌کشند، احساس می‌شود. رنج ترسکا تنها نتیجه ظلم و ستم انسان‌ها است. سرنوشت ترسکا بخشی از یک تاریخ وحشتناک است. اما در زمان حال نیز با اهمیت و قابل تأمل است؛ زیرا همچنان متجاوزین به کودکان اهمیت نمی‌دهند. کودکان قربانیان بی‌گناه تمام جنگ‌ها، بحران‌ها و درگیری‌های مسلحانه هستند. موضوع عکس‌های او، حقوق از بین رفته بشریت در جنگ بود. بسیاری از عکس‌های او حدیث کودکان بی‌پناه جنگ‌زده است تا بزرگان در آن‌ها بیندیشند. کودکانی که دردشان از جنگ افزون است.

منابع

۱. پاکباز، رویین (۱۳۹۵)، «فرهنگ اصطلاحات هنری و اعلام هنرمندان»، چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر.
۲. تاسک، پتر (۱۳۹۷)، «سیر تحول عکاسی»، ترجمه محمد ستاری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
۳. جان بزرگی، سعید (۱۳۸۳)، «عکاسی جنگ»، چاپ اول، تهران: انتشارات روایت فتح.
۴. حکمی، شیرین (۱۳۹۰)، «دیوید سیمور»، عکس، سال بیست‌وپنجم (۳۰۰)، ۶۰-۴۷.
۵. حکمی، شیرین (۱۳۹۰)، «دیوید سیمور»، عکس، سال بیست‌وپنجم (۳۰۰)، ۶۳-۵۸.
۶. حکمی، شیرین (۱۳۹۱)، «دیوید سیمور»، عکس، سال بیست‌وششم (۳۰۰)، ۶۵-۵۸.
۷. ریاحی، برکت (۱۳۶۳)، «از جنگ بگوییم...»، چاپ دوم، تهران: نشر روشنه.
۸. کو، برایان (۱۳۹۳)، «عکاسان بزرگ جهان»، ترجمه پیروز سیار، تهران: نشر نی.
9. URL 01: <https://yphc.ir/news/89401/a-brief-analysis-of-the-evolution-of-war-photography/> (access date: 2023/07/17)
10. URL 02: https://en.wikipedia.org/wiki/Carol_Szathmari (access date: 2023/07/18)
11. URL 03: <https://www.1854.photography/2018/10/david-chim-seymours-life-in-pictures/> (access date: 2023/07/17)
12. URL 04: <https://www.nga.gov/features/chim-david-seymour.html> (access date: 2023/07/18)
13. URL 05: <https://dp.la/primary-source-sets/pablo-picasso-s-guernica-and-modern-war/sources/1859> (access date: 2023/07/18)
14. URL 06: <https://www.magnumphotos.com/shop/collections/david-seymour/pinup-poses-of-sophia-loren-rome-italy-1955/> (access date: 2023/07/19)
15. URL 07: <http://nips.org.ir/ViewNews.aspx?NewsID=3164> (access date: 2023/07/20)
16. URL 08: <https://flashbak.com/out-of-the-shadows-gerda-taro-war-photographer-431789/> (access date: 2023/07/21)
17. URL 09: <https://www.army-photographer.com> (access date: 2023/07/23)
18. URL 10: <https://www.georgerodgerphotographs.com> (access date: 2023/07/24)
19. URL 11: <https://www.henricartierbresson.org/en/> (access date: 2023/07/24)
20. URL 12: <https://www.imdb.com> (access date: 2023/07/24)
21. URL 14: <https://time.com/4735368/tereska-david-chim-seymour/> (access date: 2023/07/25)
22. URL 13: <https://aphelis.net/tereska-draws-home-david-seymour/> (access date: 2023/07/25)
23. URL 15: <https://collections.ushmm.org/search/catalog/pa1520> (access date: 2023/07/26)
24. URL 16: <https://www.icp.org/browse/archive/objects/children-drawing-on-a-blackboard-at-a-residence-for-children-disturbed-by-the> (access date: 2023/07/27)